

مَیْتَرِیَه؛ موعود بودایی*

لوئیس لَنکستر

علی‌رضا شجاعی

در مجمع خدایان بودایی هیچ‌کس چون مَیْتَرِیَه چنین آرایش پیچیده‌ای از تجسّم‌ها را عرضه نکرده است. اولین و مهم‌ترین نقش او جانشینی شاکیه‌مونی^۱ به منزله‌ی یک بودا است که پس از زاده‌شدن به شکل انسان به حالت روشن‌شدگی نهایی (بیداری کامل) می‌رسد. مفهوم مَیْتَرِیَه را به مثابه‌ی بودای آینده (موعود) در همه‌ی سنت‌های بودایی می‌توان یافت، اگرچه در دو چیز نظر همه یکی نیست: یکی تاریخ زندگی او، و دیگری راهی که در آن، سرنوشت او به منزله‌ی بودای آینده (موعود) آغاز می‌شود.

گزارش‌های متون

با بررسی آثار، از شیوه‌هایی که سرگذشت مَیْتَرِیَه در آن تحول یافته و به تدریج بر اهمیت آن افزوده شده است، نشانه‌هایی می‌یابیم. کانون پالی، که منبع عمده‌ی اطلاعات ما درباره‌ی آموزه‌ی اولیه است، اهمیت چندانی به مَیْتَرِیَه نمی‌دهد. نام او فقط در یکی از متون اولیه، سوره‌ی چکّه‌وَتّی سیئه‌ناده^۲، آمده است. در آثار غیر کانونی، عمدتاً دو اثر را به مَیْتَرِیَه

* مشخصات کتاب‌شناختی این نوشته:

Mircea Eliade, *The Encyclopedia of Religion*, Maitreya, by Lewis Lancaster, 1987, Vol.9, PP.136.

1. Śākyamuni

2. *Sutta Cakkavattisihanāda*

اختصاص داده‌اند؛ (یکی) انگنه و مَسَه^۱ و (دیگری) مِیْتْرِیَه و یاکَرَنَه^۲، اما خاستگاه این آثار و تاریخ دقیق آنها روشن نیست. یک نسخه مفصل از سرگذشت مِیْتْرِیَه را می‌توان در دیویاودانه^۳ مکتب مؤله سَرواستی وادین^۴ یافت. در میان مجموعه حکایت‌ها، سرگذشت آن بوداسف^۵ را می‌خوانیم که مشتاق انجام ریاضت افراطی است و سر خود را به نشان راستی در جویندگی حقیقت به یک آموزگار برهنه^۶ پیشکش می‌کند. اما یک خدا، که بر فراز باغ محل وقوع این ماجرا مراقب او است، می‌کوشد با دور نگه داشتن برهنه، جان بوداسف را حفظ کند. بوداسف از این خدا خواهش می‌کند تا به او اجازه انجام این کار را بدهد، چون پیش از این در همین باغ، مِیْتْرِیَه از آرزوی خود برای فداکردن جان خود به پای آموزگارش، چشم پوشیده بود، از این رو از رسیدن به بالاترین آرمان خود باز ماند؛ خطایی که نباید تکرار شود.

مَهاوَسْتُو^۷، یکی از متون فرقه مَهاسنگیکه^۸، فهرستی از بودایان آینده را ارائه می‌کند، که در صدر آن نام مِیْتْرِیَه آمده است. در این متن اولیه، نام اَجِیْتَه^۹ را می‌یابیم که اشاره است به مِیْتْرِیَه در زندگی‌های گذشته‌اش. بعدها، تیره وادین‌ها^{۱۰} به اَجِیْتَه علاقه زیادی پیدا کردند، و سرگذشت زندگانی او در قرن پنجم و ششم پیش از حد مورد توجه قرار گرفت. یکی دانستن اَجِیْتَه با پسر اَجاتَه سَتُو^{۱۱}، شاه مَگَدَه، به سَنگَه^{۱۲} (انجمن) این امکان را داد که مکان و چگونگی ظهور بوداسف را به هنگام رسیدن به بوداگی^{۱۳} دقیقاً تعیین کند. بنا به بخش مربوط به زندگی مِیْتْرِیَه در مَهاوَسَه^{۱۴}، مشهور به تاریخ سری لانکا، مِیْتْرِیَه پیش از زاده شدن و رشد در جهان خاکی، در آسمانِ تُوْشِیْتَه^{۱۵} ساکن می‌شود. زمان دقیق این واقعه را گفته‌اند. پس از پری نیروانه^{۱۶} شاکیه مونی، دوره افول اجتماعی و جهان‌شناختی جهان فرا می‌رسد، پنج هزار سال پس از آخرین بودا، آیین از میان می‌رود، و عمر انسان به ده سال تقلیل می‌یابد. در این زمان چرخه به عقب باز می‌گردد. زندگی

1. *Angatavaṃsa*3. *Dīvyāvadāna*5. *Bodhisattva*7. *Mahāvastu*9. *Ajita*11. *Ajātasattu*13. *Buddhahood*15. *Tusita*.2. *Maitreyavyākaraṇa*4. *Mūlasarvāstivādin*6. *Brahman*8. *Mahāsaṃghika*10. *Theravādins*12. *Samgha*14. *Mahāvāṃsa*16. *Parinirvāna*

هنگامی سامان می‌یابد که طول عمر میانگین بر روی زمین به هشتاد هزار سال برسد. در چنین جهانی با عمر طولانی، و محیطی که مناسب آموزه بودا است، یک فرمانروا، چَکْرَه‌وَرِّین^۱ (شاه جهان) ظهور می‌کند، که در اندیشه رفاه و بهروزی مردم، و حامی آموزه‌های بودا است. هنگامی که این بهشت موعود فراهم شود، مِیْتْرِیَه از آسمان تُوْشِیْتَه پایین می‌آید، بوداگی خویش را به کمال می‌رساند، و دَرْمَه (آیین) را به فرهیختگان می‌آموزد. مَهاکاشِیپَه^۲، یکی از شاگردان بزرگ شاکیه‌مونی، از حالت جذبه‌ای که پس از پری‌نیروانَه آموزگار پیشین خود در آن فرو رفته بود، بیرون می‌آید تا دوباره به بودا خدمت کند و آموزه آن روشنی‌یافته (به اشراق رسیده) را بشنود.

عقیده به هزاره مِیْتْرِیَه هنوز در مناطق بودایی جنوب آسیا و جنوب خاور رواج دارد. در شرق میانمار این باور هست که بودا^۳، آموزگار نام‌آور معاصر، همچون مِیْتْرِیَه، بودای آینده (موعود)، شاه جهان بود. یکی گرفتن مِیْتْرِیَه با رهبران و بنیادگذاران، پیوسته در میان بوداییان آسیا دیده می‌شود.

به نظر برخی دانشمندان، اندیشه بودای آینده (موعود) احتمالاً از مفهوم ایرانی سوشیانت^۴ رهایی‌بخش ریشه می‌گیرد. از این منظر، مِیْتْرِیَه نمایانگر تأسیس جهانی است که در آن صلح و فراوانی هست؛ جایی که دَرْمَه (آیین) را هم تعلیم می‌دهند و هم کاملاً درک می‌کنند. اما عده‌ای بر این موضع‌اند که این مفاهیم پیش از این در هند در زمان شاکیه‌مونی (بودا) مطرح بوده است. هم بوداییان و هم آجیویکه‌ها^۵ و جین‌ها^۶ وجود موعودهای جدیدی چون تِرتُّکْرَه‌ها^۷ جینه‌ها^۸ و بوداییان را تعلیم داده‌اند. پی.اس. جینی می‌گوید سرچشمه تحول مِیْتْرِیَه در مکتب مَهاسنگیکه بود. در حالی که تیرواده به مِیْتْرِیَه توجه اندکی دارد، تا آنجا که در کانون پالی فقط یک اشاره دیده می‌شود، مَهاوَسْتُوی مَهاسنگیکه شماری از بندهای خود را به مِیْتْرِیَه، مفهوم نام او به مثابه آجیته، شرح حوادث زندگی‌های گذشته او، و نقل پیشگویی‌های شاکیه‌مونی از بوداگی او اختصاص می‌دهد. بنابراین، اسناد و اطلاعات زیادی در توجیه این مطلب هست که پژوهش در پیرامون مِیْتْرِیَه بخشی از حوزه فرهنگی و دینی هندی است، و به نظریه‌ای که تأثیرات

1. *Cakravartin*3. *Bodaw*5. *Ajivika*7. *Tirthankara*2. *Mahākāśyapa*4. *Saoshyant*6. *Jain*8. *Jina*

بیرونی را برای توضیح مفهوم بودای آینده (موعود) رواج می‌دهد، متکی نیست. سنت مه‌ایانه اهمیت زیادی برای مِیْتَرِیَه قائل است، و در آثارشان در باب زندگی و کنش‌های او، اشاره‌های زیادی می‌یابیم. از آنجا که مه‌ایانه بر سیر زندگی و تکامل بوداسف تأکید کرده است، طبعاً مِیْتَرِیَه در این گروه بزرگ، شأن و منزلت پیدا می‌کند. همگام با سنت آغازین، همه گروه‌های مه‌ایانه بر این باوراند که راه مِیْتَرِیَه، راه شاکیه‌مونی است. در جمع بوداسفان، مِیْتَرِیَه همیشه بالاترین مقام را ندارد؛ او با بوداسفانی چون مَنجُوشری^۱ و اَوُلکیتِشَوَرَه^۲، اعتبار انجمن مومنان، سهیم است. در متون پَرگیاپارَمیتا^۳، مِیْتَرِیَه با بودا و گروهی از شاگردانش شامل بوداسفان و اَزَهت‌ها^۴ به گفت‌وگو می‌نشیند. اَزَهت‌ها، حتی شاگردان مشهور شاکیه‌مونی، به فراخور سطح فهم‌شان در مراتب پایین دست بوداسفان قرار دارند. از این رو، آثار پَرگیاپارَمیتا، مِیْتَرِیَه را بالادست یک اَزَهت همچون شاری پُوْتَرَه^۵ وصف می‌کند. اما آثار مه‌ایانه، مِیْتَرِیَه را همیشه با چنین مداهنه‌ای نشان نمی‌دهد. محض نمونه، در یک گزارش از سَدْرَمَه پُوْتَرِیکه سوْتَرَه^۶ (سوره‌ی نیلوفر)، مَنجُوشری به مِیْتَرِیَه می‌گوید: هنگامی که در گذشته دَرَمَه (آیین) را به مِیْتَرِیَه تعلیم می‌داد، مِیْتَرِیَه شاگرد تبلی بود که بیشتر جویای نام بود تا فهم. بنابراین، مِیْتَرِیَه در دیدار با آموزگار پیشین خویش، همچنان به دنبال پاسخ پرسش‌های خویش است. این پرسش نیز که آیا مِیْتَرِیَه و شاکیه‌مونی در زندگی‌های گذشته‌شان با یکدیگر دیدار کرده بودند یا نه، در آثار مه‌ایانه مطرح است. مَهاکَرَمَه وِیْتَنگَه^۷ می‌گوید: بودا در واقع با مِیْتَرِیَه دیدار کرده بود و به خاطر آرزوی داشتن زندگی بوداسفی او را ستوده بود. سنت تَنتری مه‌ایانه متاخر، گویا دل‌بستگی اندکی به مِیْتَرِیَه داشته است. فاصله‌گیری این سنت از مِیْتَرِیَه در گوْهیَه سَمَاجَه تَنترَه^۸، که در آن مِیْتَرِیَه را به هنگام شنیدن آموزه و جَرَه‌یانه^۹ نگران و آشفته وصف می‌کند، می‌توان دید. چون دانش او محدود است، قادر به فهم این آموزه‌نو نیست. مسئله سطح فهم مِیْتَرِیَه به همین شکل در وِیْمَلَه کِرتی نیردیشه^{۱۰} دیده می‌شود. در این متن، مِیْتَرِیَه در ارائه پاسخ مناسب به وِیْمَلَه کِرتی غیر رهرو، که با

1. Mañjuśrī

3. Prajñāpāramitā

5. Śāriputra

7. Mahakarmavibhanga

9. Vajrayāna

2. Avalokiteśvara

4. Arhat

6. Saddharmapuṇḍarīka Sūtra

8. Guhyasamāja Tantra

10. Vimalakīrinirdeśa

به چالش کشیدن پیشگویی بوداگی با این پرسش، که آیا سه زمان (گذشته و حال و آینده) را می توان واقعی گرفت، درمی ماند. ویمله کیرتی می گوید که اگر آنها واقعی نیستند، معنای پیشگویی رویدادهای آینده چیست؟ میتریه، ناتوان از پاسخ، ساکت می ماند. بنابراین، متون مهایانه دیدگاه متفاوتی را از این بوداسف ارائه می دهد، که او را در راه رسیدن به جایگاهی بزرگ در آینده نشان می دهد، اما هنوز تعلیم لازم را برای فهم کامل برترین آموزه این سنت ندیده است.

یک وصف بسیار مبالغه آمیز از میتریه در سوره گنده ویوهه^۱ وجود دارد. در اینجا میتریه به شکل آموزگار سوذنه^۲ جوان، که برای گرفتن پاسخ نزد پنجاه آموزگار می رود، ظاهر می شود. سوذنه با ورود به کاخ میتریه، با نیروی میتریه، در جذبه ای مکان های مهم زندگی بودای آینده (موعود) را می بیند؛ از جمله مکانی را که میتریه در آن، به جذبه به اصطلاح میتره^۳ (مهر)، که بنیاد نام اوست، رسیده بود. سپس سوذنه به تماشای زنجیر طولانی تجسم های میتریه می نشیند؛ از جمله زندگی ای که این بوداسف در آن شاه بود، و زندگی دیگری که او در آن شاه خدایان بود. سرانجام، سوذنه آسمان توشیته را می بیند؛ جایی که میتریه درست پیش از بوداگی در آن دوباره زاده شده بود. میتریه به سوذنه می گوید که در آخرین تولد دوباره یکدیگر را ملاقات خواهند کرد. حتی متونی که برتری پاک بوم آمیتابه^۴ را می آموزد و معمولاً آن را به مکتب رقیب فرقه میتریه وابسته می دانند، نشان می دهد که سوذنه یکی از مردان ممتازی است که قدرت دیدن قلمرو آمیتابه را دارد. پرستش. پرستش دینی که بر محور شخصیت میتریه پیدا شد، تأثیرش بیش از جنبه هایی است که در آثار کانونی و مردمی به آن اشاره شده است.

چین. هنگامی که آیین بودا به چین رسید (حدود قرن اول میلادی)، توجه زیادی به میتریه شد. علت این گرایش را تا حدی این باور داثویی دانسته اند که احتمال ظهور هر لحظه فرزانه ای را می داد که قادر بود از میان جمع دوستداران خود، فرهیختگان را به رستگاری برساند. در اوائل حکومت خاندان چین^۵ شرقی (۴۲۰-۳۱۷) زندگی آیینی بودایی به سمت میتریه گرایید. در واقع، داثو-آن^۶، یکی از پرآوازه ترین رهروان چین، سوگند خورد که در آسمان توشیته زاده شود، تا هنگام نزول میتریه به جهان خاکی در

1. *Gaṇḍhavyūha Sūtra*

3. *maitra*

5. Chin

2. Sudhana

4. Amitaba

6. Tao-an

کنار او و همراه با او باشد. در قرون بعدی، وی^۱ شمالی (۵۳۵-۳۸۶) دو مجموعه غار بزرگ ساخت؛ یکی در یون-کانگ^۲ و دیگری در لئونگ-مین^۳. در یون-کانگ، که قدیمی‌تر است، تمثال‌های میتریه برجسته‌اند و حتی امروزه بازدیدکنندگان می‌توانند تصاویر او را که در حالات مختلف رسم شده است ببینند. در غارهای لئونگ-مین نیز بسیاری از تمثال‌های میتریه هست که تاریخ آن حداکثر به نیمه اول قرن ششم باز می‌گردد. تسوکاموتو ذن‌ریو^۴، که طرح شماری از تندیس‌های ساخته شده در لئونگ-مین را کشیده بود، ثابت کرده است که اگر چه شاکیه مونی و میتریه در آغاز الگوهای [هنری] اصلی به شمار می‌رفتند، در قرن هفتم، آمیتابه و اولوکیتشوره مورد توجه قرار گرفتند.^۵

دل‌بستگی به آموزه پاک‌بوم در طی قرن هفتم بالاگرفت و حمایت از آن در طی دوره تانگ (۹۰۷-۶۱۸) همچنان استمرار یافت؛ در نتیجه، تمثال میتریه را به ندرت می‌کشیدند. اما با آن که میتریه دیگر، موضوع رایج شمایل‌نگاری‌ها یا طرح‌های غار نبود، او را از یاد نبردند. در این زمان، چینیان او را به خدایی عامیانه با منزلتی عظیم بدل کردند. اگر چه تندیس‌های باشکوه میتریه از مجموعه آثار هنرمندان محو شد، در دوره حکومت خاندان سونگ^۶، شکل جدیدی از میتریه-به شکل شخصی فربه، خندان، با شکم‌گنده-پیدا شد. دلیلی هست برای این مدعا که چنین تصویری از میتریه بر مبنای سیمای تاریخی مشهور، فرزانه‌ای خانه‌به‌دوش، [بو-دای^۷] استوار بود. می‌گویند که او اهل جکیانگ^۸ بوده است و کیسه‌ای از کنف بر دوش داشته است. کودکان به ویژه شیفته او بودند، و اغلب تصویر او را در حالتی می‌کشیدند که کودکان برگرد او حلقه زده‌اند. داستان‌های بسیاری درباره نیروی معجزه‌آسای او پیدا شد؛ از جمله داستانی که از پیداشدن یک چشم سوم در پشت سر او حکایت می‌کرد. به خاطر این چشم، مردم او را بودا می‌خواندند، و با این همه او از آنان می‌خواست که درباره ویژگی‌های او سخن‌پراکنی نکنند. این داستان‌ها به این باور منجر شد که این خانه‌به‌دوش کسی نیست به جز خود میتریه، که به زمین پایین آمده، این شکل غریب را به خود گرفته است، تا

1. Wei

2. Yun-kang

3. Lung-men

4. Zenryu

5. Zenryu, Tsukamoto. *Shina bukkyoshi Kenkyu: Hokuji-hen*, Tokyo, 1972, pp. 355 ff.

6. Sung

7. Pu-tai

8. Chekiang

مردم را از راه فرزانی و شکیبایی و مهربانی جذب کند. امروزه این سیمای میتریه بدین شکل و قیافه را در ورودی اصلی دیرهای چینی قرار می دهند، تا همه غیرهروانی که آرزوی سرنوشت نیک و نیکبختی را دارند او را حرمت نهند.

از آنجا که او را بودای آینده (موعود) می دانستند، که در زمان فرمانروایی شاهی بزرگ (شاه جهان) می آید، کسانی که به دنبال استوار ساختن پایه های قدرت سیاسی یا مشروعیت بخشیدن به حکومت خویش بودند، اغلب میتریه را دستاویز قرار می دادند. در آغاز قرن هفتم، فرمانروایان و رهبران آینده چینی، خود را تجسم میتریه معرفی می کردند یا ادعا می کردند که برگزیده شده اند تا ملت را برای ظهور بودای جدید آماده کنند. محض نمونه، در سال ۶۱۳ میلادی، سونگ زه-سیئن^۱ خود را میتریه خواند، و علیه خاندان (سوی^۲) شورش کرد؛ بعدها در طی حکومت تانگ، امپراتریس و^۳ هنگامی که به قدرت رسید همین ادعا را کرد. دوران حکومت خاندان سونگ (۱۲۷۹-۹۶۰) شاهد پیدا شدن گروه های مخفی با این عقیده بود که میتریه هم اکنون در جهان است، یا این که جهان باید تغییر کند تا با او هماهنگ شود. استفاده سیاسی از میتریه توسط کسانی که مرجعیت رسمی را به چالش کشیدند احتمالاً یکی از دلایل کاهش حمایت دربار از آثار هنری مربوط به این بوداسف بود.

در زندگی آیینی چینی، میتریه با سه مرحله دوره کیهانی رابطه پیدا کرد. او منادی آخرین دوره است. در آثار ادبی بائو-جیوان^۴ (طومارگران بها)، که نگرش ها و باورهای دین عامیانه را نشان می دهد، نظری هست که می گوید او پیامبری است که در طی آخرین دوره به عنوان فرستاده ای از سوی «مام بزرگ» برای نجات گناهکاران به جهان خاکی قدم می گذارد. متن بائو-جیوان قرن هفدهم، میتریه را به منزله گرداننده آسمان ها در طی آخرین دوره، که نمادش رنگ سفید است، وصف می کند. او بر اورنگ خویش، گل نیلوفر^۵ نه برگ، می نشیند و در انتظار زمانی است که در آن صد و هشت هزار سال فرمانروایی می کند. میتریه در تحول بودایی چینی نقش مهمی داشت، که تا حدی به خاطر بسیاری از نهضت های هزاره گرای بود که بی آن که بیندیشند که او همه چیز بود مگر خدایی چینی، از او استفاده کاملی می بردند؛ آنان خاستگاه بیگانه او را از یاد برده بودند. نمونه شیوه ای

1. Sung Tzu-hsien

2. Sui

3. Wu

4. Pao-chuan

که در آن بن‌مایه‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر راه می‌یابد دوآن مین هوین^۱، رهبر فرهمند ویتنامی است. او در مناطقی که شیوع بیماری وبا در قرن نوزدهم آن را ویران کرده بود موعظه می‌کرد. دوآن از تأسیس گروه‌های مؤمنان که به پیروان تعلیم می‌دهند و آنان را به کمال روحی می‌رسانند هواخواهی کرد، و بدین طریق اطمینان داد که از کشتار جمعی آینده در امان خواهند بود. به سخن دوآن، میتریه از آسمان^۲ توشیته به کوه‌های نزدیک کامبوج نزول می‌کند تا ریاست انجمن گل‌اژدها^۳ را به دست گیرد و دوره‌ای جدید را آغاز کند. در میان انجمن‌های دیری و غیردیری، بوداییان به‌اندیش‌تر، دل‌بسته میتریه شدند، چون در آن دوره که می‌اندیشیدند «آموزه حقیقی» در حال از میان رفتن است، زندگی را بی‌معنا یافتند. چینیان میتریه را خدایی می‌دانستند که نیازهاشان را در سطوح مختلف برآورده می‌کرد، و در پیشکش کردن انواع لباس‌ها، برگزاری مناسک دینی و آنچه در کف داشتند به او تردید نکردند.

کره. یکی دیگر از کشورهای آسیای شرقی، یعنی کره، نیز توجه زیادی به میتریه داشته است، که تا حدی به این خاطر بود که آیین بودا هنگامی وارد این شبه‌جزیره شد که اهمیت پرستش میتریه در چین به اوج رسیده بود. چون پرستش میتریه نخستین پرستش دینی‌ای بود که وارد کره می‌شد، برای آن احترام زیادی قائل بودند و پس از آن که علاقه چینی به جنبه‌های سنتی میتریه از میان رفته بود، مدت‌ها استمرار یافت. عقیده به میتریه از وی شمالی و قلمروهای وابسته به آن به کره رسید، که می‌توانیم او را در ترکیب‌بندی‌های سه‌تایی از دوره‌های پانکجه^۳ و کوگوریو^۴ ببینیم. برخی دانشمندان معتقدند که پرستش میتریه در کره به دو رویکرد متمایز قابل تقسیم است. در دوران حکومت پانکجه، این اندیشه در مؤمنان پیدا شد که پیش از نزول میتریه باید ملت را به شکل محیط دلخواه او آماده کرد. از سوی دیگر در قلمرو سیلا^۵، می‌اندیشند که حتی اگر محیط دلخواه او نباشد، میتریه به جهان خاکی نزول و در آن عمل می‌کند.

در طی دوره سه قلمرو (اواخر قرن چهارم تا ۶۶۸)، یک سازمان نیمه‌نظامی از مردان

1. Doan Minh Huyen

۲. نام این انجمن برگرفته از نوعی درختچه است.

3. Paekche

4. Koguryo

5. Silla

جوان، مشهور به هوارانگ،^۱ رابطه خاصی با میتریه پیدا کرد. رابطه اینان با میتریه احتمالاً از سرگذشت رهروی در قرن ششم ریشه می‌گرفت، که آرزو داشت میتریه در جهان زاده شود تا بتواند او را ستایش کند. او در رؤیا می‌بیند که میتریه پیش از این به جهان خاکی نزول کرده بود و شکل هوارانگ (پسر گُل فروش) به خود گرفته بود. یکی دانستن هوارانگ با میتریه رایج بود، و احتمالاً تندیس‌های بوداسف به شکل شاهزاده غرق در تفکر، که یک پا را بر زانوی پای دیگر نهاده است، بازنمایی‌های بصری این رابطه است. در طی دوره کوریو^۲، علاقه زیادی به سه دوره آموزه نشان می‌دادند و عده‌ای بر این باور بودند که دوره پایانی، که آموزه حقیقی در آن محو می‌شود و آموزه ناشناخته‌ای جای آن را می‌گیرد، نزدیک شده بود. از آنجا که تعلیم سوتره‌ها این بود که این دوره هزاروپانصد سال پس از پری‌نیروانه بودا است، این اندیشه در مردم کره پیدا شد که دوره شر از سال هزاروپنجاه و دو آغاز شده است. [رخدادهای] قرون بعدی توجه‌کننده این نظر بود که دوره شر در واقع فرارسیده بود، و در طی بی‌نظمی اجتماعی این دوره‌ها، عده‌ای آنچنان که انتظار می‌رفت منتظر ظهور میتریه در نقش حامی بودند. حتی هم اکنون، مؤمنان از میتریه انتظار حمایت و یاری دارند. بومیان کره هنوز به نزدیک مجسمه میتریه می‌آیند تا از او نیکبختی، تولد فرزند پسر، شفای بیمار و حمایت در دوره‌های درد و رنج را طلب کنند. اکثر تندیس‌های خاص میتریه در کره، صُفّه بزرگی را که بر بالای سر او چسبیده و یک شکل پلکانی یا کروی بر بالای آن قرار گرفته است نشان می‌دهد. این دستار، شکل استوپه^۳ را نشان می‌دهد، که معمولاً میتریه بر سر می‌گذارد.

نقش میتریه را در آیین‌های باروری در پرستش دینی‌ای که اکنون در جزیره چجُوی^۴ کره، در شمال شرق دریای چین برگزار می‌شود به ساده‌ترین وجه می‌توان دید. در یکی از مناطق این جزیره، تندیس‌های میتریه در کنار سنگی به شکل اِحلیل قرار گرفته است. زنان به این مکان می‌آیند تا به این سنگ بچسبند؛ به این امید که با این عمل فرزندشان پسر شود. هنگامی که شخص، سیاه‌ای از موضوعات را برای دعا برای پسران تهیه می‌کند، میتریه را می‌توان در کنار اژدهاشاه، روح کوه، و هفت ستاره یافت. از میان همه شخصیت‌ها در مجمع خدایان بودایی، تنها خدایی که در نظر آنها دعا، به ویژه دعا برای

1. Hwarang

2. Koryo

۳. stupa، بقعه‌ای نسبتاً بزرگ که محل نگهداری بقایای بودا یا آرته‌ها است.

4. Cheju

کودکان را اجابت می‌کند، مِیْتِرِیَه است. این اندیشه روشنگر آن [فرزانه] با شکم گنده و کودکان پیرامون او در سبک چینی است.

مِیْتِرِیَه همچنین به شکل یک عنصر مهم در گروه‌های منتظران که در کره پیدا شده‌اند ظاهر می‌شود. یکی از این گروه‌ها یک دین جدید است؛ مشهور به چوَنگ سان-گیو^۱، که در اواخر قرن نوزدهم بنیاد نهاده شد. پیروان این دین معتقدند که هم اکنون در مناطق کون سان^۲ بیماری‌ای وجود دارد که چنانچه مهار نشود، به سراسر جهان سرایت می‌کند و نسل بشر را از میان می‌برد. چوَنگ سان، بنیادگذار این فرقه، تعلیم می‌داد که او تنها کسی است که طلسم جادویی لازم را برای مهار این بیماری دارد. پیروان او بر این باورند که او یکی از تجسم‌های مِیْتِرِیَه بود که به زمین نزول کرده و مدت سی سال در یکی از تندیس‌های مِیْتِرِیَه زندگی کرد. یک گروه جدیدتر، که در پیرامون یی یو-سانگ^۳ پیدا شده بود، این را تعلیم می‌داد که هانانیم^۴، ایزد نخستین حماسه‌های کره‌ای و فرمانروای آسمان، به شکل بودا مِیْتِرِیَه به کره نزول می‌کند.

در قرن بیستم، بوداییان کره به دنبال شناسایی مِیْتِرِیَه بودند و بیست و هفت تندیس اصلی او را در جایگاه‌های ثابت به شکل ایستاده باشکوه، ساختند. اگر چه انجمن رهروان چوگیه^۵ توجه اندکی به بوداسف دارد، مردم معمولی کره، مانند مردم معمولی چین اجازه نمی‌دهند که مِیْتِرِیَه از اعمال دینی‌شان حذف شود.

ژاپن. ژاپنی‌ها اطلاعات اولیه را درباره مِیْتِرِیَه از کره گرفتند؛ این انتقال شامل تندیس‌های این بوداسف هم بود. اکثر دیرهایی را که می‌گویند شوْتوکو تایی شی^۶ (۶۲۲-۵۷۴) بنیاد نهاده است، دارای مجسمه‌های مِیْتِرِیَه در حالت شاهزاده غرق در تفکر است. شاید ژاپنی‌ها به مِیْتِرِیَه به شکل کامی^۷، که آورنده زندگی طولانی و نیکبختی است، نگاه می‌کنند و بنابراین او را محور همان مناسکی قرار داده‌اند که برای ارواح بومی برگزار می‌کردند. در اواخر دوره هی آن^۸ (۱۱۸۴-۷۹۴)، عده‌ای احساس کردند که دوره آموزه دروغین فرارسیده است و آرامش را در این اندیشه یافتند که مِیْتِرِیَه به زودی به زمین نزول می‌کند و در زیر بوته گل اژدها سه موعظه می‌کند. یکی از کسانی که شوق

1. Chungsan-gyo

2. Kunsan

3. Yi Yu-sang

4. Hananim

5. Chogye

6. Shotoku Taishi

7. Kami

8. Heian

دیدار میتیره را داشت، کوکایی^۱ (۷۷۴-۸۳۵)، بنیادگذار فرقه شین‌گون^۲ بود. او پیش از مرگ خود اعلام کرد که در آسمان توشیته زاده می‌شود و در آنجا هزاران سال در حضور بودای آینده (موعود)، پیش از آن که با او به زمین نزول کند، زندگی می‌کند.

تحولات اخیر در باب پرستش میتیره هنوز در ژاپن مشاهده می‌شود. محض نمونه، در کاشیما^۳ بر این باورند که روزی از بهستی در دریا، کشتی انباشته از برنج میتیره از راه می‌رسد. در دوره ادو^۴ (۱۶۰۰-۱۸۶۸)، منطقه کاشیما، منطقه رقص‌های میتیره بود که در آن پرستاران زن ایزدکده، زن پیشگویی را می‌آوردند که آمدن بهروزی سال را پیشگویی می‌کرد. او با نیروی خود به جهان میتیره، یعنی بهشت سرشار از نعمت رسید. برخی گروه‌ها در ژاپن، منتظر ظهور میتیره‌اند؛ آن هم مکانی در بالای کیم‌یوسان^۵، که سرزمین طلایی در آنجا ساخته می‌شود و میتیره در آن سه موعظه می‌کند. در همه مناطق بودایی اصلی در آسیا، پیروان [همواره] این عقیده را مطرح می‌کرده‌اند که میتیره در منطقه خودشان زاده می‌شود و بنابراین او را نه تنها بیگانه نمی‌دانند، بلکه یکی از خودشان به شمار می‌آورند.

بسیاری از کسانی که، به خاطر عضویتشان در گروه میتیره، خود را از فرهیختگان می‌دانند، امیدوارند تا زمان نزول میتیره روی زمین باقی بمانند. در گروه‌های دیگر، هواخواهان بر این باورند که او هم‌اکنون ظهور کرده است. محض نمونه، در سال ۱۷۷۳ میلادی گروهی مشهور به فوجی کو^۶ ادعا کردند که میتیره روی کوه فوجی ظاهر شده است. رهبر این گروه، پرستاری به نام کاکوگیو^۷، فرارسیدن جهان میتیره را اعلام کرد. بعدها، کاکوگیو خود را در حجره [دیر] حبس کرد و تا هنگام مرگ چیزی جز آب نخورد. شاگردانش معتقدند که این، فقط مرحله‌ای از انتظار، برای دوره جدید بودای آینده (موعود) است. فوجی کو امیدها و آرزوهای جامعه کشاورزی امروز را به خوبی بیان کرد. در طی شورش‌های دهقانان در دوره ادو، شمار زیادی از این گروه به سفری زیارتی مشهور به *هجانایکا*^۸ رفتند و ایزدکده ایسه^۹ را کانون توجهشان قرار دادند. زائران که با رقص

1. Kukai

3. Kashima

5. Kimpusan

7. KaKugyo

9. Ise

2. Shingon

4. Edo

6. Fujiko

8. *eejanaika*

[=سماع] به جذبۀ فرو می‌رفتند، اعلام کردند که مِیْتَرِیَه با خود محصول فراوان می‌آورد. قرن بیستم، دوره‌گرایش شدید به «دین‌های جدید» (شینکو سوکیو^۱) بوده است، که در آن استمرار رشته باور به بودای آینده (موعود) و ظهور او را در جهان می‌بینیم. محض نمونه، ئوموتوکیو^۲ رابطه نزدیکی با مِیْتَرِیَه دارد. در سال ۱۹۲۸ میلادی، دگُوچی ئونیسابورو^۳ خود را یکی از تجسّم‌های مِیْتَرِیَه خواند. این را در سال اژدها، که یک پیشگو آن را سال وقوع تغییرات بزرگ خوانده بود، اعلام کرد. یک گروه جدید دیگر، ری یوکای^۴ را کُبو کاکوتارو^۵ و خواهرزنش، کوتانی کیمی^۶ بنیاد نهادند. کوتانی کیمی جای شفا دهنده دینی نشسته بود و پیروانش او را بودای زنده خواندند. پس از مرگ او این فرقه یک مرکز آموزش کوهستانی تأسیس کرد، که آموزه‌های این زن محور آن است. علت یکی دانستن کوتانی با مِیْتَرِیَه می‌تواند این خلوت‌گاه، میروکُوسان^۷، یا کوه مِیْتَرِیَه باشد.

واپسین سخن

هرجا که آیین بودا مورد حمایت قرار گرفته است، مِیْتَرِیَه شخصیتی مهم در اندیشه بودایی به شمار آمده است. از نظر پیروان معمولی، پرستش مِیْتَرِیَه روشی بود برای ایجاد کَرَمه^۸ نیک برای خودشان و تضمین این‌که در آینده رستگار خواهند بود. عنصر امید به آینده، بخش سرنوشت‌ساز آرمان مِیْتَرِیَه است، که برای هدایت بشر به دوره‌ای بهتر ظهور کرده یا خواهد کرد. چون داستان مِیْتَرِیَه هنوز ادامه دارد، او می‌تواند در سناریوهای متنوع بی‌شماری، که هر یک را می‌توان برای برآوردن نیازهای زمان و مکان خاص ساخت، نقش داشته باشد.

1. Shinko Sukyo
3. Deguchi Onisaburo
5. Kubo Kakutaro
7. Mirokusan

2. Omotokyo
4. Reiyukai
6. Kotani Kimi
8. *Kama*

کتابنامہ

منابع اصلی

1. "The *Anagata-vamsa*." Edited by J. Minayeff. *Journal of the pali Text Society* (1886): 33-53.
2. *Astasahasrikaprajnaparamitasutra*. Edited by Wogihara Unrai. Tokyo, 1932-1935.
3. *Digha Nikaya*. 3 vols. Edited by T. W. Rhys-Davids and J. Estlin Carpenter. Pali Text Society Series. London, 1890-1911. Translated by T. W. Rhys-Davids and C. A. F. Rhys-Davids as *Dialogues of the Buddha*, "Sacred Books of the Buddhists," vols. 2-4 (London, 1889-1921).
4. *Divyavadana*. Edited by E. B. Cowell and R. A. Neill. Cambridge, 1886.
5. *Gandhavyuha Sutra*. Edited by D. T. Suzuki and Idzumi Hokei. Kyoto, 1934-1936.
6. *Guhyasamaja Tantra*. Edited by Benoytosh Bhattacharyya. Gaekwad's Oriental Series, no. 53. Baroda, 1931.
7. *Le Mahavastu*. 3 vols. Edited by Emile Senart. Paris, 1882-1897. Translated by J. J. Jones as *The Mahavastu*, "Sacred Books of the Buddhists," vols. 16, 18, 19 (London, 1949-1956).
8. *Maitreyavyakarana*. Edited by Sylvain Levi. Paris, 1932.
9. *Saddharmapundarikasutra*. Edited by Hendrik Kern and Bunyiu Nanjio. Bibliotheca Buddhica. Saint Petersburg, 1914. Translated by Hendrik Kern as *Saddharma-Pundarika; or, The Lotus of the Good Law*, "Sacred Books of the Buddhists," vol. 21 (1884; reprint, new York, 1963). Kumarajiva's fifthcentury chinese translation of the *Lotus* has been translated by Leon N. Hurvitz as *Scripture of the Lotus Blossom of the Fine Dharma* (New York, 1976).
10. *Sukhavativyuhasutra*. Edited by F. Max Muller and Bunyiu Nanjio. Anecdota Oxoniensia Aryan Series. Oxford, 1883. Translated into English by F. Max Muller in

Buddhist Mahayana Texts, Edited by E. B. Cowell et al. , "Sacred Books of the East" vol.49 (1894; reprint, New York, 1969).

11. *Vimalakirtinirdesa*. Translated From Tibetan by Robert A. F. Thurman as *The Holy Teaching of Vimalakirti: A Mahayana Scripture* (University Park, Penn, 1976).

منابع ثانوی

12. Hayami Tasuku. *Miroku shinko-mo hitotsu no jodo shinko*. Nihonjin no kodo to shiso, vol. 12. Tokyo, 1971.
13. Miyata Noboru. *Miroku shinko no kenkyu*. Tokyo, 1975.
14. Murakami Shigeyoshi. *Japanese Religion in Modern Century*. Translated by H. Byron Earhart, Tokyo. 1980.
15. Sponberg, Alan, and Helen Hardacre, eds. *Maitreya*. Princeton, 1986.
16. Tsuruoka Shizuo. "Nihon in okeru Miroku gesho shinko ni tsuite." *Shukyo kenkyu* 144(1955):22-35.